



روحانی در آخرین جلسه کابینه یازدهم:
هرکس به برجام صدمه بزند، به خودش و کشورش صدمه زده است

گروه سیاست: رئیس جمهوری روز گذشته و در آخرین جلسه هیئت وزیران کابینه یازدهم، گفت: «توفیقات دولت یازدهم در ارائه خدمات به مردم، در سایه لطف و محبت خداوند، توجهات حضرت ولی عصر(عج)، تابش نور از مرقد منور حضرت ثامن الحجج(ع)...

صفحه ۷

دوشنبه ۲۳ مرداد ۱۳۹۶ - ۲۱ ذیقعدة ۱۴۳۸ - ۱۴ آگوست ۲۰۱۷

تنترها

۲ وزیر منتخب میهمان خصوصی‌ها

● کرباسیان: به هتل ۵ ستاره دعوت نشده‌ایم
● شریعت‌مداری: خصولتی‌ها را پس می‌گیریم

صفحه ۴

محمدين سلمان از وزير کشور عراق در خواست کرد

عراق واسطه بین ایران و عربستان

صفحه ۱۹

۲ مرد به جای ۲ زن

صفحه ۱۷

قول زنانه

گزارشی از منشور فراکسیون زنان برای وزیران پیشنهادی

صفحه ۲



کفت‌وگو با سعید را درباره جشن حافظ
روی این صحنه آدم‌های بزرگی ایستاده‌اند

صفحه ۱۴

حرف اول

آموزش و پرورش در کما!

رجیم عیادی
عضو هیئت علمی دانشگاه فرهنگیان



این روزها حال مهم‌ترین نهاد تعلیم و تربیت کشور یعنی آموزش و پرورش خوب نیست؛ با وجود همه تدبیرها، هنوز امید به آموزش و پرورش برگشته است و بیم آن می‌رود چنان‌چه روند موجود ادامه پیدا کند، شرایط بسیار ناخوش‌تر از آن باشد که به تصور آید. امروز بسیاری از دلسوزان، خبرخواهان و صاحب‌نظران تعلیم و تربیت و پیش‌کوسان آموزش و پرورش نگران وضع موجود و آینده تعلیم و تربیت فرزندان این مزر و بوم هستند. منشا اصلی نگرانی، برگرفته از دو چالش مهم است: چالش اول، جایگاه نامناسب آموزش و پرورش در برنامه توسعه ملی و مناسبات حاکم بر توزیع ثروت و قدرت و فقدان اولویت در نظام تصمیم‌سازی کشور. چالش دوم، تضعیف سازمان آموزش و پرورش و فشار بزرگ و مخترم فرهنگیان و معلمان از درون و تلقین احساس ناتوانی آنها در اداره آموزش و پرورش. اینک آموزش و پرورش در میان این دو چالش، به یک نهاد فراموش شده تبدیل شده و در تحقق رسالت و مأموریت بنیادین خود، حتی در تأمین ابتدایی‌ترین نیاز فرهنگیان؛ یعنی حقوق و پاداش بازنشستگی، دست‌نویا می‌زند و مهم‌ترین کار هر وزیر، آن شده که بتواند یک حسابدار خوب باشد تا از پس دخل و خرج روزانه این خانواده بزرگ تعلیم و تربیت برآید؛ گویا اراده‌ای برای ایجاد یک عزم ملی برای بهبود، ارتقا و اعتلای آموزش و پرورش وجود ندارد. راستی چه شده است که در شرایطی که در کشور برای سایر اولویت‌ها، توان، منابع و عزم ملی ایجاد می‌شود که قطعا مهم خواهند بود، امور تعلیم و تربیت فرزندان ایران‌زمین که مهم‌ترین سرمایه کشور، خانواده‌ها و آینده‌سازان فرهنگ و تمدن ایرانی و اسلامی هستند، باید به فراموشی سپرده شود؟ چگونه می‌توان در امر بهداشت و درمان آحاد جامعه فراتر از ظریف و منابع مادی و معنوی کشور تعهد ایجاد کرد که آن هم امری است حیاتی و ددها اولویت مهم در کشور طراحی کرد و به آنها اهتمام ورزید؛ اما آموزش و پرورش و تعلیم و تربیت کودکان، نوجوانان و جوانان را به تقدیر روزگار سپرد و مدیریت آن محل تجربه‌ورزی و آزمون و خطای افراد غیرمرتبط با ناتوان باشد. اینک شیوه مدیریت کلان در موضوع نهادهای آموزشی، مشابه پدر و سرپرست خانواده‌ای است که به‌جای پرداختن به درون نظام خانواده و تعلیم و تربیت فرزندان خویش، به توسعه کالبدی ساختمان، به تجهیز امکانات و لوازم خانه، به امکانات رفاهی ...

ادامه در صفحه ۴



۵ هزار و ۳۰۰ نفر مشمول تخفیف مجازات می‌شوند

نجات‌یافتگان از اعدام

صفحات ۶ و ۱۷



عارف: فراکسیونی عمل می‌کنیم

صفحه ۲

یادداشت

سازمان برنامه‌بودجه اجتماعی؛ لازمه تحقق مأموریت‌های دولت دوازدهم

نزدیک در سه ماه اخیر می‌توان نشان داد که این پارادایم غالب تا چه اندازه مستعد به‌انحراف‌کشاند سخنان رئیس‌جمهور و مانعی جدی در مسیر تحقق مأموریت‌های دولت دوازدهم در زمینه فقرزدایی و عدالت اجتماعی است.

مثال اول: افزایش مستمری افراد تحت پوشش نهادهای حمایتی از اوایل دهه ۱۳۸۰ در ایران مطرح بود و در برنامه پنجم توسعه نیز پیش‌بینی شد، اما باوجود وفور منابع در دولت دهم اجرا نشد. این طرح از سال ۱۳۹۴ از سوی وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی پیگیری شد و در نهایت در متن قانون برنامه ششم نیز وارد شد، اما باز در لایحه بودجه سال ۱۳۹۶ منابعی برای اجرای آن پیش‌بینی نشد و در بررسی لایحه در مجلس شورای اسلامی بود که نمایندگان از محل منابع هدفمندی یارانه‌ها آن را به سمت اجرائی‌شدن پیش بردند. انتخابات ریاست‌جمهوری نیز به‌منابه یک بزرگ‌بازرسی (policy conjuncture) عمل کرد و موجب شد صدای موافق این طرح در دولت بلندتر و طرح اجرائی شود. اما همچنان پایداری و تداوم آن محل تردید است و از همین‌روست که در هفته‌های اخیر اعلام شد مستمری بگیرانی که بعد از اجرای این قانون ذیل نهادهای حمایتی قرار می‌گیرند، به‌دلیل اعلام محدودیت منابع مالی از سوی سازمان هدفمندی یارانه‌ها مشمول افزایش مستمری نمی‌شوند (به نقل از محسنی‌نژاد). رئیس سازمان بهزیستی کشور در تاریخ ۲۶ تیرماه و همچنین تصمیم این طرح برای افراد کم‌درآمد خارج از پوشش نهادهای حمایتی نیز متوقف شد. مثال دوم: با وجود اینکه ریاست‌جمهوری در جریان انتخابات اخیر بر ریشه‌کنی فقر مطلق تا سال ۱۴۰۰ تأکید می‌کرد اما در همین دولت صدایی وجود دارد که اساسا با احتساب خط فقر ۱۰۲۵ دلار در روز وجود فقر مطلق در کشور را براساس پرداخت بارانه نقدی انکار می‌کند. این «انکار» ماهیتی کاملا پارادایمی دارد و در واقع در این فضای گفتگویی دو جریان سیاسی و سازمانی با جریان «مسائل» هم‌سوئی و همراهی ندارند. این در شرایطی است که براساس یافته‌های تازه‌ترین پژوهش انجام‌شده درباره وضعیت فقر در ایران، حدود ۲۹ درصد جمعیت شهری و ۱۷ درصد جمعیت روستایی زیر خط فقر مطلق به سر می‌برند. از سوی دیگر همان‌طور که جناب رئیس‌جمهور گفته‌اند درست است که بی‌کاری یکی از عوامل اساسی فقر است اما روندهای موجود در ایران نشان می‌دهد که اتفاقا بخش درخورتوجهی از فقرا شاغل‌اند؛ یعنی با وجود داشتن شغل از درآمد کافی برای معیشت خود برخوردار نیستند. این موضوع در صورت‌بندی مسئله فقرزدایی و ایجاد عدالت اهمیت اساسی دارد. با این توضیحات می‌توان گفت گفتمان عدالت اجتماعی

کاهش نابرابری نشده، بلکه برعکس میزان نابرابری درآمدی در کشورهای مورد بررسی را افزایش داده است. فرض اساسی نظریه نشت به پایین این است که اتخاذ سیاست‌هایی که به افزایش درآمد و سرمایه طبقات ثروتمند می‌انجامد، موجب می‌شود تا منافع حاصل از سرمایه‌گذاری این طبقات از طریق اشتغال و... به طبقات پایین جامعه نیز سرریز شود. از این‌رو، بر اساس این رویکرد نیازی نیست که دولت‌ها در فرایند توزیع ثروت مداخله‌ای داشته باشند و مکانیسم طبیعی موجود، به‌طور خودبه‌خودی نظام توزیع را به‌سمت برابری بیشتر سامان می‌دهد. در اهمیت رشد اقتصادی در سیاست‌های کلان تردیدی نیست، اما نباید و نمی‌توان مسائلی نظیر عدالت اجتماعی و فقرزدایی را اهدافی ثانویه و منوط به رشد اقتصادی دانست. برای رفع چنین انحرافی در مسیر توسعه، در اواخر دهه ۱۳۷۰ بحث طراحی ساختار نظام جامع رفاه و تأمین اجتماعی در دستور کار سیاست‌گذاران قرار گرفت و به تصویب قانون ساختار نظام جامع رفاه و تأمین اجتماعی انجامید؛ قانونی که به‌تعبیر طراحان آن بنا بود قانون اساسی حوزه رفاه و تأمین اجتماعی ایران باشد. وزارت رفاه و تأمین اجتماعی و شورای عالی رفاه و تأمین اجتماعی در رکن اصلی این قانون بودند. وزارت رفاه به‌عنوان یک نهاد سیاست‌گذار بنا بود به‌عنوان «سازمان برنامه‌بودجه اجتماعی» عمل کند تا در همکاری با «سازمان برنامه و بودجه اقتصادی» بتواند روند توسعه در ایران را به‌صورت متوازن‌تری پیش ببرد، اما پارادایم غالب اقتصاد سیاسی ایران، از همان ابتدا چالش‌هایی جدی را ایجاد کرد. روایت اولین وزیر رفاه و تأمین اجتماعی کشور از مقاومت‌های پیش‌روی تأسیس این وزارتخانه از سوی سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی وقت قابل‌اعتناست. در آن مقطع سازمان مدیریت با تأکید بر «کوچک‌سازی دولت» در مقابل تصویب ساختار و جارت سازمانی وزارتخانه مقاومت می‌کرد. شورای عالی رفاه و تأمین اجتماعی نیز که برای ایجاد هماهنگی سیاستی در حوزه سیاست‌گذاری اجتماعی تأسیس شده بود، به‌تدریج به محاق رفت و از سال ۱۳۸۶ عملا غیرفعال شد. هرچند دولت یازدهم تلاش کرد شورای عالی رفاه را فعال کند، اما سازمان‌سازی‌های جدید در این دولت (نظیر تأسیس سازمان مدیریت اجتماعی ذیل وزارت کشور) و ارتقای سطح فعالیت شورای اجتماعی کشور (این شورا قاعدا باید در سال ۱۳۸۳ با تأسیس قانون ساختار نظام جامع رفاه و تأمین اجتماعی منحل می‌شد، اما بر اساس تعارفات سیاسی به کار خود ادامه داد) از یک‌سو و تداوم ضعف گفتگویی سیاست‌گذاری اجتماعی از سوی دیگر موجب شد تا شورای عالی رفاه نتواند مأموریت‌های خود را ایفا کند. با دو مثال



رضا امید
عضو هیئت علمی
دانشگاه علامه طباطبائی

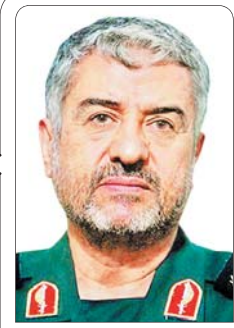
رئیس‌جمهور در مراسم تحلیف با تأکید بر مأموریت‌هایی نظیر «بناکردن جامعه‌ای عادلانه» داشتن نظام حمایت اجتماعی قدرتمند» «ریشه‌کن‌کردن کامل فقر مطلق» و «ایجاد نظام جامع تأمین اجتماعی» توضیح دادند که «اما همگی واقفیم که دستیابی به آرمان عدالت اجتماعی در گرو آن است که در کشور ثروت ایجاد شود و گرنه به‌جای رفع فقر شاهد توزیع فقر خواهیم بود. در شرایط فعلی کشور، رفع فقر در گرو ایجاد شغل است، چراکه یکی از مهم‌ترین معاری ایجاد فقر بی‌کری است». تحقق این مأموریت با دو مانع جدی مواجه است: ۱. مانع پارادایمی و ۲. مانع ساختاری که تا حد زیادی از همان مانع نخست ناشی می‌شود. انگاره‌های گفتگویی موجود در دولت و پارادایم غالب در اقتصاد سیاسی کشور مستعد آن است که با استفاده از همین عبارت توضیحی جناب رئیس‌جمهور و «ام‌ای آن، تمام تأکیدهای قبلی مبنی بر ریشه‌کنی فقر و ایجاد نظام جامع تأمین اجتماعی را به حالت تعلیق درآورد؛ همان‌گونه که در تمامی برنامه‌های عمران و توسعه ایران نیز عدالت اجتماعی و مقابله با فقر هدفی ثانویه و معطل رشد اقتصادی بوده است. دست‌کم دو دهه است که نظریه‌پردازان اقتصادی و اجتماعی جهان از این باور عبور کرده‌اند و بر این امر واقف شده‌اند که رشد اقتصادی الزاما نه‌تنها به عدالت اجتماعی و کاهش فقر نمی‌انجامد، بلکه ممکن است آن را تشدید کند. حتی صندوق بین‌المللی پول به‌عنوان اصلی‌ترین سازمان پیش‌برنده ایده اولویت رشد اقتصادی بر عدالت اجتماعی، در گزارشی با عنوان «علل و نتایج نابرابری در جهان» در سال ۲۰۱۵ بر اساس تجربه ۲۰۰۸ ساله کشورهای مختلف جهان نشان داده که این ایده درست از آب درنیاوده است و برعکس، سیاست‌های معطوف به کاهش فقر تأثیر به‌مراتب بیشتری بر رشد اقتصادی داشته‌اند. بر اساس این گزارش، افزایش یک‌درصدی در درآمد ۲۰ درصد ثروتمند جامعه موجب کاهش رشد اقتصادی به‌میزان ۰۰۸ درصد خواهد شد و برعکس افزایش یک‌درصدی در درآمد ۲۰ درصد فقیر جامعه منجر به افزایش ۰۰۴ درصدی در رشد اقتصادی خواهد شد. این رابطه مستقیم بین افزایش درآمد و رشد اقتصادی درباره طبقات متوسط هم معنادار است. صندوق بین‌المللی پول با بررسی تجربه کشورهای مختلف نشان داده است که نظریه نشت به پایین (trickle down) نه‌تنها موجب

فرمانده سپاه:

شهید حججی محصول درخت تنومند انقلاب اسلامی است

سپاه‌نیوز: فرمانده کل سپاه در مراسم بزرگداشت شهادت شهید مدافع حرم، محسن حججی، در نجف‌آباد اصفهان گفت: انقلاب اسلامی محور اصلی عزت و اقتدار ایران اسلامی و مؤلفه اصلی انقلاب اسلامی است که این درخت تنومند انقلاب...

صفحه ۲



سال چهاردهم - شماره ۲۹۳۶ - ۲۰ صفحه - ۲۰۰۰ تومان

سرمقاله

تله مخالفان دولت و اصلاحات

محمدرضا تابش - نایب‌رئیس فراکسیون امید



معرفی گزینه‌های پیشنهادی برای تصدی وزارتخانه‌های دولت دوازدهم و حضور وزرا در مجلس، مباحث زیادی را در فضای سیاسی و رسانه‌ای ایجاد کرده است. به نظر می‌رسد پیش از ورود به موضوع صلاحیت وزرای پیشنهادی، توجه به یک نکته ضروری است: نکته‌ای که احتمالا به دلیل فاصله چهارساله از مقطع انتخابات سال ۹۲، از ذهن مردم و حتی نخبگان تا حدی دور مانده است. انتخابات سال ۹۲ در شرایطی برگزار شد که دو نگرانی عمده پیش‌روی نیروهای سیاسی علاقه‌مند به کشور و مردم وجود داشت: نخست فضای سوءتفاهم جدی میان بخش‌های زیادی از جامعه با دولت و فشارهای فزاینده خارجی که هدف آن، فروپاشی سازمان اقتصادی کشور و به‌زائودر آوردن ایران بود. دولت احمدی‌نژاد نیز با عملکرد پراشتباه خود، زمینه را کاملا برای مؤثر واقع‌شدن طراحی‌های بیرونی علیه ملت ایران فراهم کرده بود. در آن روزها، با وجود مسائل خاص فضای سیاسی در دوران بعد از انتخابات دهم ریاست‌جمهوری، رئیس‌جمهور دوران اصلاحات و همه نیروهای اصلاح‌طلب و میانه‌رو، برای برون‌رفت از آن شرایط به یک اجماع ملی رسیدند و دکتر حسن روحانی به‌عنوان نامزد اجماعی، مورد حمایت این جریان‌ات قرار گرفت. مردم ایران نیز که خواهان زندگی در تراز ایران‌بان و رشد و توسعه ایران در سایه صلح و مفاهیم با جهان هستند، از این اجماع حمایت کردند و دکتر روحانی با رأی ۹ میلیون آ‌ن‌ان، به جایگاه ریاست‌جمهوری رسید. لازم به گفتن نیست که اگر این اتفاق رخ نمی‌داد، تداوم فشارها و تهدیدهای خارجی و ناپسمانی‌های داخلی و کاهش سرمایه اجتماعی دولت، می‌توانست ما را به چه نقطه‌ای برساند. دولت یازدهم در شرایطی آغاز به کار کرد که «ابربحران»‌هایی مانند بی‌کری و معیشت، محیط زیست، آب، آسیب‌های اجتماعی و... مقابل دولتمردان قرار داشت. در حوزه سیاست خارجی نیز غلبه بر اجماع‌سازی علیه ایران در قالب ایران‌هراسی، عزمی جدی می‌طلبید. با درنظرداشتن این شرایط، حتما باید به رئیس‌جمهور و مردانش نمره‌ای پذیرفتنی داد. مردم نیز در انتخابات‌های پس از آن، تلاش کردند با وجود محدودیت‌ها، چهره‌هایی را برگزینند که باور به مسیر اصلاحات و اعتدال داشته باشند. حال اگر اصلاح‌طلبان و دولت دوازدهم نتوانند این مطالبات را برآورده کنند، سرنوشتی شبیه اصولگرایان در انتظار آنها است که با وجود دراختیار داشتن قوای مختلف و سایر نهادها، نتوانستند کارنامه‌ای پذیرفتنی از خود برجای گذارند. ضرورت تداوم راهی که از سال ۹۲ آغاز شد، امروز بیش از آن مقطع احساس می‌شود و همین ضرورت بود که بزرگان جریان اصلاحات و کشور را برای دعوت از مردم در راستای انتخاب دوباره روحانی و اصلاح‌طلبان در انتخابات شوراهای محاب کرد. شخصی در کشور پیدا نمی‌شود که منکر وجود کاستی‌ها در عملکرد دستگاه اجرائی باشد؛ اما فضای عمومی کشور در مسیر درستی قرار گرفته و برنامه محوری و کار علمی، به‌عنوان یک ضرورت پذیرفته شده است. همچنین نگاه جهان به ایران، تغییری جدی نسبت به گذشته دارد که ماحصل تلاش تیم دیپلماتی وزارت خارجه و حمایت ارکان نظام و مقام معظم رهبری از گرفتن بهانه‌ها از دست بدخواهان ایران است. حال به فعل انتخاب کابینه رسیده‌ایم و مباحث مختلف درباره حمایت‌کردن یا حمایت‌نکردن رئیس‌جمهور دوران اصلاحات از کابینه مطرح شده است. مسئله اینجاست که وقتی ایشان از کلیت کابینه و رئیس‌جمهور حمایت کرده، به طریق اولی از وزرای منسب به جریان اصلاحات هم حمایت می‌کنند...

ادامه در صفحه ۴

جدیدترین مدل های پوشاک فصل در فروشگاه های

